



The Foundations and Principles of Adolescent Faith Education in Islam*

Yazdan Rezvani Qahsareh¹ and Mohammad Ali Rezaei Esfahani²

Abstract



Faith education is the most important aspect of religious upbringing, serving as the foundation for other dimensions of human education. Adolescence is the most challenging and crucial stage of faith education, as it is during this stage that individuals reach levels of intellectual maturity where they consciously and independently choose their beliefs. Therefore, it is essential to consider the specific foundations and principles of adolescent faith education in order to derive an appropriate model for it. This research aims to elucidate the foundations and principles of adolescent faith education from the perspective of Islam. The method employed in this study is qualitative content analysis based on library sources. According to the research conducted, the power of reasoning and thought in adolescents, differences and cognitive changes in adolescents, the innate nature of adolescent theology, adolescent autonomy in belief selection, and the influence of circumstances on adolescents are the most important specific foundations of adolescent faith education. Based on these foundations, the principles of utilizing adolescent reasoning, respecting adolescent differences and varying degrees of faith, the principle of admonition over proof, the principle of refraining from imposing beliefs, and the principle of managing circumstances are the most important principles of adolescent faith education.

Keywords: Faith Education, Adolescent, Specific Foundations and Principles, Model of Faith Education, Islam.

*. **Date of Receiving:** 05/09/2022, **Date of Approving:** 04/06/2023.

1. PhD Candidate, University of Islamic Teachings, Qom, Teacher Studies of Islamic Teachings, Oriented in Texts and Resources
(Corresponding Author): yazdan313@gmail.com.

2. Professor & Dean of Quran and Hadith Higher Institute, Al-Mustafa International University: rezaee.quran@gmail.com.



مبانی و اصول خاص تربیت اعتقادی نوجوان در اسلام*

یزدان رضوانی قهساره^۱ و محمد علی رضایی اصفهانی^۲



چکیده

تربیت اعتقادی مهم‌ترین بُعد ساحت تربیت دینی است که زیربنای سایر ابعاد تربیتی انسان است. نوجوانی نیز پرچالش‌ترین و مهم‌ترین مرحله تربیت اعتقادی انسان است چراکه در این مرحله است که انسان به مرحله‌ای از بلوغ عقلی می‌رسد که آگاهانه و مستقل، عقاید خویش را انتخاب می‌کند. ازاین‌رو باید مبانی و اصول خاص تربیت اعتقادی نوجوان را در نظر گرفت تا بتوان الگوی مناسب تربیت اعتقادی نوجوان را استنتاج کرد. این پژوهش درصدد تبیین مبانی و اصول خاص تربیت اعتقادی نوجوان از منظر اسلام است. روش به کار گرفته‌شده در این پژوهش، روش تحلیل محتوای کیفی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. براساس پژوهش انجام‌شده، قدرت تعقل و اندیشه نوجوان، تفاوت‌ها و تغییرات فکری نوجوان، فطری بودن خداشناسی نوجوان، اختیار نوجوان در انتخاب عقیده و تأثیر شرایط بر نوجوان، مهم‌ترین مبانی خاص تربیت اعتقادی نوجوان هستند. براساس این مبانی، اصل به‌کارگیری قوه تعقل نوجوان، رعایت تفاوت‌های نوجوانان و تفاوت درجات ایمان آنها، اصل تذکر به‌جای اثبات، اصل پرهیز از تحمیل عقاید و اصل مدیریت شرایط، مهم‌ترین اصول خاص تربیت اعتقادی نوجوان هستند.

واژگان کلیدی: تربیت اعتقادی، نوجوان، مبانی و اصول خاص، الگوی تربیت اعتقادی، اسلام.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش متون و منابع اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول): yazdan313@gmail.com

۲. مدیر مجتمع عالی قرآن و حدیث، استاد جامعه المصطفی ص العالمیه: rezaee.quran@gmail.com



الف. مقدمه

از مهم ترین اهداف نزول قرآن کریم هدایت و تربیت انسان است. باتوجه به اینکه انسان ابعاد مختلف فکری، اخلاقی و رفتاری، اجتماعی، جسمی و... دارد تربیت او نیز جهات و ابعاد مختلف دارد. از مهم ترین ابعاد تربیت انسان که ریشه و زیربنای سایر ابعاد تربیتی اوست است، تربیت اعتقادی است. از سوی دیگر هریک از مراحل مختلف زندگی انسان از کودکی تا پیری اقتضائات و ویژگی های خاص خود را دارد که بدون در نظر گرفتن مراحل رشد انسان، نمی توان الگوی درست تربیتی را استفاده کرد. دوره نوجوانی نیز، باتوجه به حساسیت های خاص خود نیازمند الگوی تربیتی متناسب با خصوصیات این دوران است. باتوجه به روایاتی که مراحل رشد را به سه دوران هفت ساله یا دو دوره شش ساله و یک دوره هفت ساله تقسیم کرده اند (طبرسی، مکارم الأخلاق، ۱۳۷۰: ۲۲۲/۱)، می توان گفت دوران نوجوانی از سنین ۱۲ تا ۱۴ سال شروع می شود و تا پایان ۱۸-۲۱ سال می تواند ادامه داشته باشد که با یافته های روان شناسی رشد در این زمینه اشتراک دارد (رک: لطف آبادی، روان شناسی رشد ۲، ۱۳۸۰: ۱۳).

تربیت دینی شامل سه قسمت اصلی است که عبارت اند از: تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی و تربیت عبادی. این نوشتار به بخش تربیت اعتقادی می پردازد و درصدد تبیین مبانی و اصول تربیت اعتقادی متناسب با ویژگی های نوجوان است.

ب. اهمیت موضوع

در مسائل مربوط به حوزه دین و تربیت دینی، می توان دین را به سه ساحت مسائل اعتقادی، اخلاقی و عبادی تقسیم کرد؛ اما جایگاه این سه با یکدیگر مساوی نیست. عقاید نسبت به اخلاق و عبادات در حکم ریشه برای درخت است. قرآن کریم در مثالی، دین داری را تشبیه به درختی کرده است که استحکام ریشه دین داری را، به عقاید حقه می داند:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» (ابراهیم/ ۲۴)؛ «مگر ندیدی خدا چگونه مثالی زد، سخن نیک چون نهال نیک است، اصلش در زمین استوار است و شاخه آن در آسمان. همیشه به اذن پروردگارش میوه خود را می دهد.»

علامه طباطبائی تعبیر «کلمه طیه» که در آیه آمده است را این گونه تفسیر کرده است:

«آنچه از دقت در آیات به دست می آید این است که: مراد از «کلمه طیه» که به «درخت طیب» تشبیه شده است و صفاتی چنین وچنان دارد، عبارت است از عقاید حقی که ریشه اش در اعماق قلب و در نهاد بشر جای دارد.» (طباطبائی، ترجمه المیزان، ۱۳۷۴: ۱۲/۷۲).

عقاید بنیان شخصیت انسان است که در صورت ثبات و قوام، حوزه اخلاق و رفتار را نیز تابع خود می‌سازد و ثمرات عقاید در اخلاق و رفتار ظاهر می‌شود. همان‌گونه که ریشه و زیربنای دین، اعتقادات و باورهای دینی است، اساس تربیت دینی نیز در تربیت اعتقادی است.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ﴾ (اسراء/۸۴)؛ «بگو هرکس برحسب ساختار خود عمل می‌کند.»

در اصول کافی از امام صادق (ع) چنین نقل شده است:

«النَّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَإِنَّ النَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ - قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ يَغْنِيهِ عَلَى نَيْتِهِ؛ نیت افضل از عمل است. اصلاً نیت، همان عمل است. سپس، آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» را قرائت و اضافه کرد، منظور از شاکله نیت است (کلینی، الکافی، ۱۳۶۲: ۲ / ۱۶).

این تفسیر نکته جالبی دربردارد و آن اینکه نیت انسان که از اعتقادات او برمی‌خیزد، به عمل او شکل می‌دهد. (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۲ / ۲۴۸). باتوجه به این تفسیر می‌توان گفت، اعمال انسان در اعتقادات انسان ریشه دارد و اگر ریشه محکم نباشد، هر لحظه احتمال تغییر و از دست رفتن عمل وجود دارد؛ بنابراین تربیت اعتقادی بر تربیت اخلاقی و رفتاری مقدم است.

دوران نوجوانی باتوجه به تحولات عقلی و استقلال فکری نوجوان، دوران شکل‌گیری شخصیت است و هویت‌یابی نوجوان او را با چالش‌های جدی فکری و اعتقادی مواجه می‌سازد. عقاید او، نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری هویت و ساختار شخصیتی او ایفا می‌کند. از سوی دیگر باتوجه به زمینه‌های متعدد انحراف و لغزش که نوجوان نسبت به گذشته بیشتر با آن مواجه می‌شود، ضرورت مصونیت‌بخشی نوجوان را بیش از پیش آشکار می‌سازد. ساختمان شخصیت نوجوان هر لحظه با زلزله‌های سنگین اخلاقی و رفتاری دست به گریبان است.

عقاید قوی و محکم، نوجوان را از تزلزل‌های فکری و اخلاقی و رفتاری که در زندگی با آن مواجه می‌شود، حفظ می‌کند.

ج. پیشینه تحقیق

در مجموعه شش جلدی کتاب‌های «قرآن و تربیت»، اثر دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی در جلد‌های اول و سوم به بحث مبانی و اصول و روش‌های تربیت اعتقادی بر اساس قرآن پرداخته شده است. مسعود آذربایجانی نیز در کتاب «تربیت و رشد معنوی در دوره نوجوانی» به صورت بسیار کوتاه و گذرا به برخی مبانی و روش‌های تربیت معنوی نوجوان پرداخته است که مشترکاتی با بحث تربیت



اعتقادی دارد. کتاب «تربیت اعتقادی و معنوی با نگاهی قرآنی» از فرج الله میرعرب، و کتاب «خدایی که در این نزدیکی است»، از مسلم گریوانی از دیگر کتاب‌هایی است که درباره تربیت اعتقادی نگاشته شده است.

پایان‌نامه‌های «اهداف اصول و روش‌های تربیت اعتقادی براساس قصص» از اکرم نژاداکبری‌راوری، «سیره پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) در تربیت اعتقادی» از حسین مولودی، «بررسی جایگاه تربیت اعتقادی در برنامه درسی دین و زندگی»، از محمد پاک‌سرشت، «شیوه‌های تربیت اعتقادی کودک ۱-۷ از منظر روایات» از محسن علی، «تربیت اعتقادی اطفال از نظر اسلام» از زهرا حسینی در این باره نگاشته شده‌اند.

باتوجه به بررسی‌های انجام‌شده، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات مرتبط با این موضوع یا از نظر موضوع کلی هستند و اختصاصی به تربیت اعتقادی ندارند، یا از نظر گروه مورد بحث کلی هستند؛ یعنی به تربیت فرزند یا تربیت انسان به صورت کلی پرداخته‌اند نه تربیت نوجوان؛ از این رو کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای در زمینه تربیت اعتقادی نوجوان مستقلاً نگاشته نشده است. این پژوهش هم از نظر موضوع خاص تربیت اعتقادی است و هم از نظر گروه هدف، خاص نوجوان است.

د. مبانی تربیت اعتقادی

مقصود از مبانی، امور وجودی، داشته‌ها و هست‌ها در عالم انسانی است (میرعرب، تربیت اعتقادی و معنوی با نگاهی قرآنی، ۱۳۹۵: ۴۴). مبانی تربیت اعتقادی نوجوان اموری وجودی است که ناظر به ساختار وجودی طبیعی و فطری انسانی است که در مرحله نوجوانی قرار دارد و از آنها خبر می‌دهد. مبانی تربیت اعتقادی و به تبع آن اصول تربیت اعتقادی به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند. مبانی و اصول عام در تمام ساحت‌های تربیتی انسان اعم از اعتقادی، اخلاقی و... اثرگذارند و اختصاصی به تربیت اعتقادی ندارند. مبانی و اصول خاص، یا مختص به تربیت اعتقادی است یا نسبت به سایر مبانی و اصول، در تربیت اعتقادی نقش پررنگ‌تری دارند. باتوجه به اینکه محور این پژوهش نوجوان است، منظور از مبانی و اصول خاص، مواردی هستند که نقش پررنگ‌تری در تربیت اعتقادی دارند و هم با عنایت به ویژگی‌های دوران نوجوانی است.

یک. مبانی خاص تربیت اعتقادی نوجوان

۱. قدرت تعقل و اندیشه نوجوان

انسان برای درک حقایق این عالم هستی دارای ابزار درکی به نام عقل است. از آنجاکه یکی از مؤلفه‌های ایمان، شناخت و معرفت است، یکی از راه‌های رسیدن به این شناخت، تعقل و تفکر است.

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (نحل/۷۸)؛ «و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود، درحالی که هیچ چیز نمی دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید.»

فؤاد همان قلب است که محل معارف است که انسان به وسیله آن فکر می کند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۶/۵۸۱)؛ و مبدأ تصدیق و فکر، قلب است (طباطبایی، ترجمه المیزان، ۱۳۷۴: ۱۲/۳۱۲).

قرآن کریم یکی از دلایل گمراهی و شقاوت بشر را عدم تعقل دانسته و می فرماید:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا﴾ (اعراف/۱۷۹)؛ «و درحقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم؛ [چراکه] دل هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند.»

آیاتی که انسان را دعوت به تعقل و تفکر می کند و همچنین آیاتی که انسان را به خاطر عدم تعقل مذمت می کند (انفال / ۲۲)، اقامه دلایل متعدد عقلی در آیات قرآن، استفاده از اصل علیت به عنوان یکی از پایه های تفکر عقلانی و همچنین بیان فلسفه احکام بیانگر اعتبار اندیشه ورزی و تعقل در منطق قرآن است (یوسفیان و شریفی، عقل و وحی، ۱۳۸۳: ۲۴۰-۲۳۷).

روایات نیز عقل را حجت درونی الهی معرفی کرده اند. امام کاظم (علیه السلام) می فرماید:

«يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَلِيمَةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ خدای را بر مردم دو حجت است: حجتی بیرونی و حجتی درونی. حجت برون، پیامبران و امامان اند، و حجت درون، خرد آدمیان.» (حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، ۱۳۶۳: ۱/۳۸۳).

ویژگی های شناختی - عقلی نوجوان

یک. رشد چشمگیر ظرفیت های فکری نوجوان

تغییرات فکری انسان در دوران نوجوانی بسیار گسترده و عمیق است و با تغییرات دوران کودکی او قابل قیاس نیست. به گونه ای که اکثر صاحب نظران از این تغییرات با عنوان «تحولات» نام برده اند.

«مهم ترین خصوصیت فکری نوجوان که زمینه ساز تحول و رشد دینی او را فراهم می کند، شکل گیری تفکر انتزاعی در اوست؛ یعنی برخلاف تفکر کودک که فقط در حد مسائل محسوس و ملموس و دنیای واقعی است، تفکر نوجوان شامل مفروضات و احتمالات و دنیای فرضی نیز می شود.» (کرباسی و وکیلان، مسائل نوجوانان و جوانان در ایران معاصر، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۶). این تحولات، در عقاید و ایمان نوجوان نیز آثار چشمگیری به همراه دارد.



۱. استقلال فکری

به یمن رشد درخور توجه قدرت تفکر نوجوان به مرحله ای می رسد که در اندیشیدن می تواند مستقل عمل کند و از تفکر تقلیدی دوران کودکی فاصله بگیرد تا جایی که قدرت تشخیص هدایت از ضلالت را پیدا می کند و حتی موظف به عمل نسبت به آن می شود. برخی کارشناسان عرصه تربیت دینی، دوره نوجوانی را دوره اسلام نام گذاری کرده و معتقدند اولین مرحله اصلی و متنی تربیت این دوره است که با بلوغ شرعی آغاز می شود. باقری در این باره می نویسد:

در مفهوم تربیت یعنی ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی مواجهه انسان با خدا اساس تعریف است و این مواجهه از هنگام بلوغ شرعی آغاز می شود. نخستین دستورالعمل خدا آن است که نوجوان استقلال فکری را جایگزین تقلید فکری سازد و جز بر آنچه فهم پذیر و معقول است گردن نگذارد. گزینش خدا و آیین فکری نیز باید از همین طریق میسر شود: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» (لقمان/۱۵)؛ «و اگر والدین خواستند تو را وادارند که چیز غیر معقولی را ناآگاهانه شریک من قرار دهی، از آیین شکرآمیز آنان پیروی مکن (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۸۸: ۱/۲۶۲).

۲. شکل گیری هویت اولیه ایمانی

نوجوان آماده دستیابی به اولین هویت ایمانی است. تا قبل از سن بلوغ، کودک به دلیل عدم تکامل دستگاه شناختی، هنوز آمادگی تشخیص عقاید درست از نادرست را ندارد؛ چراکه دستگاه شناختی او هنوز به تکامل لازم برای تشخیص و پذیرش این حقیقت نرسیده است. اولین آمادگی برای مقایسه حق از باطل و تحلیل و تشخیص حق پس از بلوغ ایجاد می شود.

داستان حضرت ابراهیم و بحث و گفتگوی او با ستاره پرستان و ماه و مهرپرستان، نمونه ای کامل از تلاش یک نوجوان برای کشف و رسیدن به حقیقت است (انعام/ ۷۹-۷۶).

طباطبایی در تفسیر خود ذیل آیات مرتبط با این داستان، می نویسد:

«وی [حضرت ابراهیم]... در اوایل رشد و تمیزش از آنجا و مکانی که داشته، بیرون آمده و به پدر خود پیوسته است، و در آن موقع بوده که برای اولین بار چشمش به بت ها می افتد و از پدرش می پرسد که این چیست؟ (طباطبایی، ترجمه المیزان، ۱۳۷۴: ۷/۱۶۰).

خلاصه نظر او، چنین است که حضرت ابراهیم نوجوانی بوده است که به دنبال کشف حقیقت و تمام حالات مذکور در آیه از اظهار به ماه و ستاره و خورشیدپرستی فرض هایی بوده که او برای کشف حقیقت در نظر گرفته است و عقیده نهایی او نبوده است (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۷/۱۷۶-۱۷۷).

۳. تردید و بازسازی عقاید

رشد قدرت فکر نوجوان، زمینه را برای بررسی افکار و عقاید خود و دیگران فراهم می‌کند. «به لطف شکل‌گیری تفکر انتزاعی، ذهن او به موضوعات فلسفی، دینی، سیاسی و اخلاقی مشغول می‌شود و در نهایت سبب می‌شود تا به تمامی نگرش‌ها و عقاید خود تردید و تجدیدنظر کند.» (کرباسی و کیلیان، مسائل نوجوانان و جوانان در ایران معاصر، ۱۳۹۰: ۱۶). نوجوان با پشت سر گذاشتن دوران تقلید در رفتار و افکار، از دریچه ذهن و فکر خود، عقاید و افکار و آدابی را که آموخته است مورد بازنگری قرار می‌دهد. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «ظَنُّ الْإِنْسَانِ مِيزَانُ عَقْلِهِ؛ شک و تردید انسان معیاری برای سنجش عقل اوست.» (آمدی، غررالحکم، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۳۹).

دو. رشدنکردن علمی و عقلی بالفعل

هرچند ظرفیت‌های فکری نوجوان نسبت به گذشته رشد درخور توجهی داشته است؛ ولی همچنان بالقوه است و هنوز به قوت و کمال خود نرسیده است. امام سجاد (ع) در نامه‌ای به یکی از اصحاب خویش به نام محمد بن مسلم زهری، دوران نوجوانی را این گونه توصیف می‌کند:

«فَإِذَا كَانَتْ الدُّنْيَا تَبْلُغُ مِنْ مِثْلِكَ هَذَا الْمَبْلَغَ مَعَ كِبَرِ سِنَّكَ وَرُسُوخِ عِلْمِكَ وَحُضُورِ أَجْلِكَ فَكَيْفَ يَسْلَمُ الْوَحْدُ فِي سِنَّهِ الْجَاهِلِ فِي عِلْمِهِ الْمَأْفُوقِ فِي رَأْيِهِ الْمَذْخُولِ فِي عَقْلِهِ؛ پس چنانچه سرای دنیا تا این حد می‌رسد که فردا روز مانند تویی را- با اینکه سنّ تو بالا، و دانشت استوار است و عمرت به سر آمده- پایبندت نماید و خود را در دلت جا کند، پس دیگر آن نوجوانی که علمش دچار نادانی و اندیشه‌اش دستخوش سستی است، و عقلش تهی از پختگی است چه کند [و دیگر از او چه انتظاری باید داشت] (حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ع)، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۷۴).

از این رو نمی‌توان از نوجوان که علاوه بر خام‌بودن تفکرش، تحت فشار شدید تمایلات غریزی و اجتماعی دیگر نیز قرار دارد، انتظار تفکری رشدیافته و در حد کمال داشت؛ از این رو کارشناسان تربیتی میزان انتظارات رشد اعتقادی را از نوجوان این گونه بیان کرده‌اند:

«آنچه در مرحله حاضر از وی انتظار می‌رود، آن است که به‌طور اجمال در باب وجود و وحدت خدای هستی بیندیشد و روشن‌بینی حاصل کند و نسبت به ضرورت هدایت الهی و بعثت انبیا و پیامبر اکرم (ص) متقاعد شود... حاصل این فکر و اعتقاد و ثمره این اسلام و ایمان اولیه در اعمال نوجوان آشکار می‌شود (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۶۲).



۲. تفاوت‌ها و تغییرات فکری نوجوان

انسان‌ها در بدو آفرینش از نظر امکانات درونی که لازمه انسانیت است، اشتراک دارند. داشتن قوایی مانند عقل و فطرت از اشتراکات آن است؛ اما این به معنای یکسان بودن این امکانات برای همه انسان‌ها و در همه مراحل زندگی نیست. نظام اسباب و مسببات حاکم بر عالم هستی، باعث تفاوت برخورداری انسان از مواهب درونی و بیرونی و همچنین مادی و معنوی می‌شود (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۲۷-۱۳۲). نتیجه این تفاوت‌ها، تفاوت در قدرت فهم و عمل در زندگی است؛ از این رو متریبان تربیت اعتقادی، از نظر قدرت فهم و درک و در نتیجه سطح ایمان با یکدیگر متفاوت هستند.

تفاوت فهم نوجوانان با یکدیگر

در بین تفاوت‌های موجود میان انسان‌ها، آنچه در تربیت اعتقادی تأثیر بیشتری دارد، زمینه‌های اثرگذار بر ساحت شناختی و ادراکی نوجوان است که شامل تفاوت‌های هوشی، جنسیتی و عقلی است. از جمله عوامل اثرگذار در تفاوت ادراکی انسان‌ها، تفاوت در شرایط زمانی، مکانی، محیطی و خانوادگی هر انسان است. به همین دلیل، انسان‌ها از نظر ادراک و ایمان یکسان نخواهند بود.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه ۹۷)؛ «عرب‌های بادیه‌نشین کفر و نفاقشان شدیدتر است و به جهل از حدود (و مرزهای) آنچه خدا بر پیامبرش نازل کرده، سزاوارترند، و خداوند دانا و حکیم است.»

خداوند متعال در این آیه ساکنان بادیه‌نشین را به شدت کفر و نفاق توصیف کرده است که نشان‌دهنده این امر است که شرایط محیطی می‌تواند در مسائل اعتقادی و میزان کفر و نفاق انسان‌ها اثرگذار باشد. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد:

«کفر و نفاق این طبقه از هر طبقه دیگر شدیدتر است، و بدین جهت شدیدتر است که به‌خاطر دوریشان از تمدن و محرومیتشان از برکات انسانیت از قبیل علم و ادب، زمخت‌تر و سنگ‌دل‌تر از سایر طبقات‌اند، و به همین جهت از هر طبقه دیگری به نفهمیدن و ندانستن حدودی که خدا نازل کرده و معارف اصلی و احکام فرعی از قبیل واجبات و مستحبات و حلال و حرام‌ها سزاوارترند.» (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۱۲/ ۵۰۲).

در روایات نیز به تفاوت‌های مخاطبان در تربیت از جمله تفاوت عقول آنها در فهم و پذیرش مطالب، پرداخته شده است. پیامبر اسلام می‌فرماید: «أَمَرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ

عُقُولِهِمْ؛ ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل و خرد آنها سخن گوئیم.» (ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ۱۴۰۳: ۲ / ۱۰۳).

براین اساس هرچند تمامی نوجوان‌ها از نظر فهم و درک و آمادگی‌های روحی برای پذیرش حقایق، اشتراکاتی دارند؛ ولی براساس عوامل مذکور تفاوت‌هایی نیز خواهند داشت.

۳. فطری‌بودن خداشناسی نوجوان

بنابر آیات قرآن کریم، انسان با فطرت الهی آفریده شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (روم/۳۰)؛ «روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده است. دگرگونی در آفرینش خدا نیست. این است دین و آیین محکم و استوار.» بنابر نظر اکثر اهل لغت ماده «فطر» در اصل به معنای «شق» (شکافتن) آمده است و برخی مانند راغب آن را شکافتن از طول دانسته‌اند. سپس به معنای ابتدا و اختراع و خلقت به کار رفته است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۴ / ۹۲؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴ ق: ۷ / ۳۵۰؛ راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۶۴۰؛ جوهری، الصحاح، ۱۴۱ ق: ۷۸۱/۲). اما واژه «فطرت» بر وزن «فعله» دلالت بر نوع خاص خلقت و آفرینش دارد...؛ یعنی انسان به نوعی از جبلت و سرشت و طبیعت آفریده شده است که برای پذیرش دین آمادگی دارد و اگر به حال خود و به حال طبیعی رها شود همان راه را انتخاب می‌کند، مگر اینکه عوامل خارجی و قشری او را از راهش منحرف کرده باشد (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۷: ۳ / ۴۵۷). همانگونه که از کلام این اثر مشخص است، منظور از نوع خاص خلقت انسان، آفرینش انسان بر دین‌خواهی و قبول دین است. شیخ طوسی نیز در تفسیر آیه منظور از آفرینش براساس فطرت الله را آفرینش خلق براساس ایمان، توحید و اسلام دانسته و می‌گوید: «لأن الله تعالى خلق الخلق للإيمان... والمعنى خلق الله الخلق للتوحيد والإسلام؛ چون که خداوند متعال مخلوقات را برای ایمان آفریده... و معنا این است که خداوند مخلوقات را برای توحید و اسلام آفریده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۸ / ۲۴۷).

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«مَا مِنْ مَوْلُودٍ وُلِدَ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيَنْصَرَانِهِ وَيَمَجْسَانِهِ؛ هیچ مولودی به دنیا نمی‌آید، مگر بر فطرت اسلامی. منتها پدر و مادر، آن‌ها را یهودی و نصرانی و مجوسی (زرتشتی) می‌کنند.» (صدوق، علل الشرایع، بی تا: ۲ / ۲۲۳).



این روایات تأکید بر این مطلب است که نه تنها انسان براساس فطرت دین داری آفریده شده است؛ بلکه حتی انسان به دین حنیف و حقیقی که همان اسلام است آفریده شده و انحراف او به سمت سایر ادیان، انحراف از مسیر فطرت است که به دلیل عوارضی خارج از خلقت فطری او حادث می شود.

فطرت نوجوان

در دوران نوجوانی، آمادگی ها و بیداری هایی در نوجوان پدید می آید که زمینه پذیرش دین و مذهب را برای او هموار می کند. یکی از این بیداری های مهم، بیداری مذهبی و فطری است. دوران نوجوانی دورانی است که تمایلات مذهبی نوجوان به اوج خود می رسد؛ به گونه ای که گویی انقلابی در او رخ داده است. همچنین عشق به خدا در او شدت می یابد و با احساس قبلی اش درباره خدا متفاوت است. بنابر نظر کارشناسان، ایمان به باورهای مذهبی از دوازده سالگی شروع می شود و اوج شکوفایی آن در سنین چهارده تا شانزده سالگی است (نک: قائمی، هدایت نوجوان به سوی نماز، ۱۳۷۳: ۱۲). ریشه این بیداری مذهبی هم درون و فطرت انسان است.

موریس دبس می نویسد:

«در دوران بلوغ، نوعی نهضت مذهبی حتی نزد کسانی دیده می شود که در گذشته نسبت به مسائل مربوط به مذهب و ایمان بی اعتقاد بودند و در سنین کمال و پختگی نیز دوباره به آنها بی اعتنا می شوند. براساس نظر استانی هال بسیاری از این احساسات مذهبی در سن شانزده سالگی پیدا می شود (فقیهی، ویژگی های روان شناختی فطری انسانی زیربنا برای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی دختر و پسر با تأکید بر دیدگاه اسلامی، ۱۳۹۸).

ابوجعفر حول از اصحاب امام صادق علیه السلام هنگامی که پس از بازگشت از یک سفر تبلیغی خدمت حضرت می رسد، پس از گلایه از اندک بودن تمایل مردم به امر تبلیغ، حضرت او را به نوجوانان سفارش کرده و می فرماید:

«عَلَيْكَ بِالْأَحْذَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ نوجوانان را دریاب، زیرا که آنان سریع تر به کارهای خیر روی می آورند (کلینی، الکافی، ۱۳۶۲: ۸ / ۹۳).

۴. اختیار نوجوان در انتخاب عقیده

خداوند متعال انسان را آزاد و صاحب اختیار آفریده است. این اختیار هم در انجام و ترک عمل است و هم در انتخاب عقیده. آزادی تکوینی انسان، اساس هرگونه تکلیف و مسئولیت پذیری او نسبت به تکالیف دینی، اخلاقی و حقوقی و مبنای اراده و اختیار انسان است؛ چراکه بدون فرض این عنصر، سخن از پاداش و عقاب بی معناست و اصولاً هرگونه تکاملی که برای انسان حاصل می شود، در اثر اعمال اختیاری و آزادانه اوست.

آیات بسیاری از قرآن بر این امر دلالت دارد: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف/ ۲۹)؛ «و بگو: حق از پروردگارتان رسیده است، پس هر که بخواهد ایمان آورد و هر که بخواهد کفر بورزد.»

این آیه بر قدرت انتخاب و اختیار انسان در انتخاب ایمان و کفر تصریح دارد. همانگونه که در بحث رشد فکری نوجوان بیان شد، نوجوانی، دوران استقلال طلبی است. نوجوان به مرحله‌ای رسیده است که در روایات دوران وزارت نام‌گذاری شده است (طبرسی، مکارم الأخلاق، ۱۳۷۰: ۱/ ۲۲۲). وزیر، صاحب رأی و نظر است و نوجوان به بلوغ عقلی می‌رسد که می‌تواند حق و باطل و درست و نادرست را تشخیص داده، مستقلاً دست به انتخاب بزند.

۵. تأثیر شرایط بر نوجوان

انسان در مواجهه با وضعیت‌های زمانی، مکانی و همچنین شرایط اجتماعی مختلف در معرض حالات، احساسات و افکار و رفتارهای گوناگون قرار می‌گیرد. نام بردن از برخی زمان‌های خاص در قرآن و بیان اثرات آن (مزمّل / ۶) و همچنین برخی مکان‌ها (بلد / ۱)، ناشی از همین منظر است. شرایط اجتماعی و پیوندهای میان انسان‌ها نیز تأثیرات عمیقی بر انسان می‌گذارد و در مقایسه بی‌تردید شرایط اجتماعی از قوت و قدرت چشمگیرتری برخوردار است (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۳۳). از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است، بینش، گرایش، کنش و منش او از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع تأثیر می‌پذیرد، هرچند این تأثیر هرگز به آن پایه نیست که او را به‌صورت تابعی مطلق از وضع محیط اجتماعی درآورد.

بنی‌اسرائیل که سال‌ها در حکومت فرعون انواع شکنجه‌ها و تحقیرها را چشیده بودند و اکنون در مقابل دیدگان آنها دریا شکافته شده و نجات یافته‌اند، پس از عبور از دریا، در مسیر خود به قومی برخورد کردند که با خضوع و تواضع، اطراف بتهای خود را گرفته بودند (اعراف / ۱۳۸). آنها چنان تحت تأثیر این صحنه قرار گرفتند که بلافاصله نزد موسی آمدند و گفتند «يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ» (اعراف / ۱۳۸)؛ «برای ما هم معبودی قرار بده، همان طور که آنها معبودان دارند.»

این جریان نشان می‌دهد که انسان تا چه اندازه، تحت تأثیر محیط قرار دارد. محیط است که می‌تواند او را به خداپرستی سوق دهد، و محیط است که می‌تواند او را به بت‌پرستی بکشاند. محیط است که منشأ انواع مفساد و بدبختی‌ها و یا سرچشمه صلاح و پاکی می‌گردد (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۶/ ۳۳۵).



شرایط اثرگذار بر نوجوان

هرچند شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی بر عموم انسان‌ها اثرگذارند؛ ولی تأثیرگذاری برخی شرایط بر نوجوان، ویژه و خاص است. از جمله این شرایط، دوستان نوجوان هستند. نقش دوستان در حدی است که گاهی می‌تواند اندیشه‌ای را واژگون کند و حتی در دین و اعتقاد افراد اثر گذارد. برخی آیات قرآن، از کسانی سخن می‌گوید که هم‌نشین بدی داشتند که پیوسته در گمراهی آنها می‌کوشیدند؛ ولی آنها به لطف و رحمت الهی توانسته‌اند خود را از چنگال وسوسه آنها رهایی بخشند، درحالی‌که تا لب پرتگاه پیش رفته بودند (صافات/ ۵۶-۵۰). در برخی آیات دیگر صحبت از کسانی است که دوستی آنها با منحرفان منجر به ضلالت و گمراهی آنها شده است (فرقان/ ۲۹-۲۷). در روایات نیز یکی از عوامل اثرگذار در فکر و اعتقاد انسان را، دوستان او معرفی کرده است. پیامبر اسلام ﷺ دین انسان را تابعی از دوست او دانسته و می‌فرمایند: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ؛ انسان بر دین دوست و هم‌نشین خود است.» (فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶: ۵ / ۱۰۴۶).

از منظر روان‌شناسی نیز، در دوران نوجوانی اثرپذیری نوجوان از خانواده کمتر شده و به‌شدت از دوستان و همسالان خود اثرپذیر است. گروه همسالان، در انتقال ارزش‌ها به‌ویژه در تغییر نگرش جوانان نقش عمده‌ای دارند. اهمیت نقش همسالان از نظر ارزشی و کیفیت تأثیرگذاری در پاره‌ای موارد حتی از پایگاه خانواده و نهادهای فرهنگی و تربیتی نیز جلوتر است (کریمی، راهبردهای روان‌شناختی تبلیغ، ۱۳۸۸: ۳۴).

دو. اصول خاص تربیت اعتقادی نوجوان

اصول، جمع اصل و در لغت به معنای بیخ و بنیاد و بن هر چیزی است (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۷: ۲ / ۲۳۸۸). اصول، «مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان و مدیران اولیاء فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در همه اعمال تربیتی باشد.» (شریعتمداری، اصول تعلیم و تربیت، ۱۳۸۷: ۹۵)؛ از این رو تفاوت مبانی و اصول را این‌گونه می‌توان بیان کرد که مبانی از «هست‌ها» سخن می‌گوید و اصول از «بایدها». مبانی، «توصیف موجود» است و اصول «بایدهای لازم‌الاجرا براساس اوصاف موجود» است. اصول تربیت اعتقادی نوجوان، قواعد و راهکارهای کلان و کلی است که مسیر روش‌ها و مهارت‌های تربیت اعتقادی نوجوان را مشخص می‌کند.

یکم. اصول مبتنی بر مبنای قدرت تعقل و اندیشه نوجوان

لازمه در نظر گرفتن عقل و انطباق گام‌های تربیت با آن شامل این موارد است:

۱. اصل به‌کارگیری قوه تعقل نوجوان

براساس این اصل، تمامی مراحل تربیت باید همواره منطبق با عقل باشد و در تمامی افعال و حرکات، باید ملازم چراغ روشننگر عقل بود. باید همواره به توانایی عقلی و ادراکی نوجوان توجه داشت. همان‌گونه که در بخش مبانی بیان شد، بُعد معرفتی ایمان، حاصل کارکرد عقل است و تفکیک ایمان از عقل ناممکن است. ایمان تقلیدی و بدون پشتوانه عقلی، ارزش چندانی ندارد. در این مقام، مربی باید همواره عقل متربی را برای درک و پذیرش عقاید به تکاپو وا دارد. نوجوان باید با عقل خود معارف و عقاید دین را درک کند و بپذیرد. برخلاف احکام و فرعیات دین که تعبدی است، عقاید، استدلالی و تحقیقی است.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛ همه خیرها را با عقل توان یافت و آنکه عقل ندارد دین ندارد.» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ ق: ۱۱/۲۰۹).

بنابراین، اصل و ریشه دین که همان عقاید است، بدون عقل امکان‌پذیر نیست. ازجمله روایاتی که جایگاه عقل را در ایمان و معرفت الهی را بیان می‌کند، روایتی مفصل است که حسن بن عمار از امام صادق (ع) نقل کرده که حضرت می‌فرماید:

«فَبِالْعَقْلِ عَرَفَ الْعِبَادُ خَالِقَهُمْ، وَأَنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ، وَأَنَّهُ الْمُدَبِّرُ لَهُمْ، وَأَنَّهُمُ الْمُدَبَّرُونَ؛ با عقل بندگان خالق خود شناسند و دانند که آنها مخلوقند و او مدبر و ایشان تحت تدبیر اویند.» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۲: ۱/۶۶).

باتوجه به آیات و روایات بیان شده می‌توان گفت مسیر ایمان و معرفت، بدون عقل راه به جایی نمی‌برد و معرفت صحیح و معتبر وابسته به عقل و تفکر است. با شک و شبهه ایمان متزلزل می‌شود. عقل می‌تواند با رفع شک و پاسخ به شبهه، راه را برای ایمان هموار سازد. به همین دلیل در آیات و روایات، به تفکر در آیات الهی تشویق بسیار شده است، به‌گونه‌ای که لحظه‌ای تفکر، معادل یک سال عبادت قرار گرفته است (عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰: ۲/۲۰۸).

ذیل فراز «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (حشر/۲)، در روایتی آمده است که بیشتر عبادت ابوذریه تفکر بوده است (قمی مشهدی، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۳۶۸: ۱۳/۱۵۸).



۲. معیار بودن عقل

عقل به صورت خدادای و فطری نشان‌دهنده درست از نادرست و سنجش حق از باطل است. هر فعالیتی در مسیر تربیت اعتقادی باید با اصول عقلانی انطباق داشته باشد. یک مربی باید بداند که در تمام مراحل و مدت تلاش برای تربیت اعتقادی متربی و گرایش دادن او به اعتقادات حق و الهی، هرگز از مدار عقل غفلت نکند و از بافته‌های غیرعقلانی بپرهیزد... عقل به مثابه قوه تمیز بین خیر و شر و خطا و صواب باید در سراسر جریان تربیت به عنوان اصلی ضروری و اجتناب‌ناپذیر مدنظر قرار گیرد و هر فعالیت، هدف واسطه، روش و وسیله‌ای، باید با این محک سنجیده شود.» (میرعرب، تربیت اعتقادی و معنوی با نگاهی قرآنی، ۱۳۹۵: ۷۷).

برخلاف برخی آیین‌ها مانند آیین مسیحیت که مسیر ایمان و عقل از یکدیگر جداست و از ورود عقل در حوزه ایمان جلوگیری می‌کند؛ ولی در اسلام عقل و ایمان مطابق و مؤید یکدیگر هستند (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۷: ۲۳/۱۸۵). انتقال آموزه‌های غیرعقلانی به متربی، علاوه بر مخالفت با تعالیم دین، تأثیرات مخربی نیز می‌تواند به همراه داشته باشد. وقتی دین به گونه‌ای معرفی شود که با مسلمات عقلی تعارض داشته باشد، می‌تواند باعث گریز از دین شود. شهید مطهری در تبیین یکی از دلایل دین‌گریزی می‌نویسد:

دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است. حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم واژگونه شده است و علت اساسی گریز گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود. این دین مقدس در حال حاضر، بیش از هر چیز دیگر، از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند، ضربه و صدمه می‌بیند (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۷: ۳۸/۱).

از همین روست که قرآن کریم بارها نسبت به آسیب تقلید کورکورانه و بی‌منطق از دیگران هشدار داده، این گونه تقلیدها را گمراهی و قدم‌نهادن در مسیر شیطان و در نهایت گرفتاری به عذاب سوزان جهنم معرفی کرده است.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (بقره/۱۷۰)؛ «و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می‌گویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند، باز از آنها پیروی خواهند کرد.»

در این آیه علت گمراهی و ایمان نیاوردن آبا و اجداد کفار را تعقل نکردن آنها دانسته است. اندکی تعقل می‌توانست آنها را به ایمان به آیات الهی برساند.

دوم. اصول مبتنی بر مبنای تفاوت ظرفیت نوجوان‌ها

۱. اصل رعایت تفاوت‌های نوجوانان (مدارا)

همان‌گونه که در مبحث مبانی بیان شد، هرچند انسان‌ها اشتراکات زیادی دارند؛ ولی اسباب و علل باعث تفاوت‌های بسیاری بین آنها می‌شود؛ ازاین‌رو کسی که در مقام تربیت نوجوان است باید به این شرایط و زمینه‌ها توجه داشته باشد و متناسب با آن، محتوا و شیوه تربیتی خود را تنظیم کند. براین اساس در روایات متعددی آمده است که پیامبر و امامان علیهم‌السلام با مردم مدارا می‌کردند و اصحاب خود را نیز به مدارا سفارش می‌کردند. امام جواد علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: «إِنَّا أُمِرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ نَكَلَّمَ النَّاسَ بِقَدْرِ عُقُولِهِمْ. قَالَ: وَقَالَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ، كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ؛ ما گروه پیامبران فرمان داده شده‌ایم تا با مردم به‌اندازه خردهایشان سخن بگوئیم. و فرمودند: پروردگارم مرا به مدارای با مردم فرمان داد، چنان‌که به برپاداشتن واجبات فرمانم داد.» (طوسی، الأمالی، ۱۴۱۴: ۱/ ۴۸۱).

در روایت دیگری نیز آمده است که یونس بن عبدالرحمن از سخنان ناروایی که شیعیان پشت سر او می‌گفتند، نزد امام رضا علیه‌السلام شکایت می‌برد. امام علیه‌السلام در جواب فرمود: «ذَرِهِمْ فَإِنَّ عُقُولَهُمْ لَا تَبْلُغُ؛ با آنان مدارا کن؛ زیرا عقل‌های آنان به بلوغ نرسیده است.» (کشی، اختیار معرفة الرجال، ۱۳۴۸: ۱/ ۴۸۸). مدارا در لغت از ریشه «درأ» (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۳۶) و «دری» به معنای نرمی، خوب سخن گفتن و تحمل آمده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۳۸۹: ۱۴/ ۲۵۴). باتوجه‌به کاربردهای این واژه در روایات می‌توان مدارا را این‌گونه تعریف کرد که مدارا، رفتاری سنجیده همراه با نرمی و لطافت برای ایجاد رغبت و جذب و سوق دادن مخاطب به سمت اهداف تربیتی است. شهید ثانی بر این اعتقاد است که معلم باید با هریک از دانش‌آموزان باتوجه‌به میزان فهم و استعداد آنان سخن گوید و آنها را خطاب کند (رک: عاملی، منیة المريد فی ادب المفید و المستفید. ۱۳۶۸: ۱۹۶)؛ بنابراین مدارا زمینه تکامل و حرکت و رشد تربیتی را فراهم می‌کند.

۲. در نظر گرفتن مراتب ایمان نوجوان

همین موضوع در مراتب ایمان نیز مطرح است. ایمان دارای درجات و مراتبی است و براساس درجات ایمان، جایگاه اهل ایمان در پیشگاه خداوند متفاوت می‌شود. خداوند متعال در قرآن به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: «هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ» (آل عمران / ۱۶۳)؛ «هریک از آنان، درجه و مقامی در پیشگاه خدا دارند و خداوند به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.»



«نصّ آیه و ظاهر این است که خود مؤمنان که متابعت رضوان الهی می‌کنند و کفاری که باؤا بسخط الهی در متابعت رضوان و موجبات سخط درجات و مراتبی هستند.» (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۹: ۳/۴۱۶).

علامه طباطبایی رحمته الله در این باره می‌نویسد: چون ایمان دارای مراتب مختلفی است؛ لذا درجات هم که خداوند به‌ازای آن می‌دهد مختلف است، بعضی از مؤمنان کسانی هستند که یکی از آن درجات را دارا می‌شوند، بعضی دیگر دو درجه و بعضی چند درجه به‌حسب اختلافی که در مراتب ایمان ایشان است (طباطبایی، ترجمه المیزان، ۱۳۷۴: ۹/۱۲).

در مواجهه با نوجوانان مختلف باید در نظر داشت که به‌دلیل تفاوت سطح دین‌داری خانواده، تفاوت در سبک تربیت و محیط‌های فرهنگی و تربیتی متفاوت، سطح ایمان آنها متفاوت است و نمی‌توان از همه آنها انتظار یکسان داشت. در این‌گونه موارد نیز اصل مدارا باید حاکم باشد و متناسب با مرتبه ایمانی آنها، برای ارتقا و رشد آنها به درجات بالاتر زمینه‌سازی شود.

امام صادق رحمته الله به یکی از اصحابش به نام عبدالعزیز قراطیسی می‌فرماید:
«يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ يَمْنَزِلُهُ اللَّهُ يُصْعِدُ مِنْهُ مِرْقَاةً بَعْدَ مِرْقَاةٍ فَلَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الْإِثْنَيْنِ لِصَاحِبِ الْوَاحِدِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْعَاشِرِ؛ ای عبدالعزیز، ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و مؤمنان پله‌ای را بعد از پله دیگر بالا می‌روند، پس کسی که در پله دوم است، نباید به آنکه در پله اول است بگوید: تو هیچ ایمان نداری تا برسد به درجه دهم که نباید چنین سخنی به نهمی بگوید.» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۲: ۲/۴۴).

اگر از پیش، آمادگی برای درک و شناخت مسئله‌ای وجود نداشته باشد، نوجوان آن را هضم نمی‌کند و در نتیجه نمی‌پذیرد و یا بد می‌فهمد و دچار کج‌فهمی می‌شود؛ آن‌گاه عامل پدید آمدن آسیب‌های جدی و عمیقی در فرد می‌گردد و عقاید و باورهای وی را سست و متزلزل می‌سازد. این روایت مشهور است که حضرت زین العابدین رحمته الله می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ مَا فِي قَلْبِ سَلْمَانَ لَقَتَلَهُ» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۲: ۱/۴۰۱؛ زهره‌کاشانی، اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات، ۱۳۸۸)؛ به خدا سوگند اگر ابوذر آنچه در دل سلمان بود، می‌دانست؛ او را می‌کشت.»

سوم. اصول مبتنی بر مبنای فطرت نوجوان

اصل تذکر به‌جای اثبات

همان‌گونه که در بحث فطرت در بخش مبانی بیان شد، انسان از درون خود با خدا آشناست و هم او را می‌شناسد و هم به‌سمت او تمایل دارد و دوران نوجوانی دوران شکوفایی فطرت است. با توجه به این

مبنا، در مباحث بنیادین عقاید مانند بحث توحید، بیش از آنکه درصدد اثبات باشیم، باید به دنبال یادآوری معرفت فطری نوجوان باشیم. بنابر نظر برخی مفسران در قرآن کریم، وجود خداوند متعال بدیهی و مفروض در نظر گرفته شده است؛ لذا در قرآن به اثبات مستقیم خدا پرداخته نشده است. علامه مصباح‌یزدی می‌نویسد: «دسته دیگری از مفسران معتقدند که قرآن کریم وجود خدا را بی‌نیاز از استدلال دانسته است و درصدد اثبات آن برنیامده است.» (مصباح‌یزدی، خداشناسی، ۱۳۸۱: ۳۳).

این اصل خصوصاً برای دوران نوجوانی که اوج دوران شکوفایی فطرت است و هنوز گرفتار آلودگی‌های فکری عمیقی نشده است، از این جهت مهم به نظر می‌رسد که به جای تلاش برای اثبات خدا و سایر اصول دین، باید تلاش‌ها مصروف مانع‌زدایی از مسیر فطرت و شکوفادردن فطرت نوجوان شود. نوجوان بیش از آنکه در مسائل بنیادین اعتقادی نیازمند علم باشد، نیازمند تذکر است. خداوند متعال در آیات سوره غاشیه بعد از دعوت به تفکر در آیات الهی مانند خلقت شتر، برافراشته‌شدن آسمان، و نصب و هموارشدن زمین، به پیامبرش می‌فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه/ ۲۱)؛ «پس تذکر ده که تو فقط تذکردهنده‌ای.»

در گفتگویی که از لقمان با فرزند نوجوانش در قرآن کریم نقل شده است، جناب لقمان به دو اصل از اصول اعتقادی اشاره می‌کند، یکی توحید و دیگری معاد (لقمان / ۱۶ و ۱۷). در هر دو موضوع، جناب لقمان درصدد اثبات بر نیامده است و همان‌گونه که آیه قرآن تصریح دارد، در مقام موعظه فرزند را به شرک نورزیدن و توجه به معاد تذکر می‌دهد.

البته منظور از این بحث، نفی مطلق رویکرد اثباتی برای نوجوان نیست؛ بلکه مراد، تشخیص اولویت و محل تأکید است؛ از این رو در مواردی که نوجوان با شبهاتی مواجه شده یا در معرض شبهات قرار دارد، قبل از انحراف فکری، باید نسبت به مواردی که چنین شبهاتی هست، اقدامات اثباتی لازم انجام شود. چنان‌که امیرالمؤمنین در نامه خود به فرزندش، به این نکته اشاره می‌فرماید:

«ثُمَّ أَشْفَقْتُ أَنْ يَلْتَبَسَ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ مِنْ أَهْوَائِهِمْ وَآرَائِهِمْ مِثْلَ الَّذِي اَلْتَبَسَ عَلَيْهِمْ وَكَانَ إِحْكَامُ ذَلِكَ لَكَ عَلَى مَا كَرِهْتَ مِنْ تَنْبِيهِكَ لَهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِسْلَامِكَ إِلَيَّ أَمْرٌ لَا أَمْنٌ عَلَيْكَ فِيهِ الْهَلَكَةُ؛ سپس از این ترسیدم که آنچه بر مردم بر اثر پیروی هواوهوس و عقاید باطل مشتبه شده و در آن اختلاف کرده‌اند، بر تو نیز مشتبه شود؛ لذا روشن ساختن این قسمت را بر خود لازم دانستم، هرچند مایل نبودم آن (شبهات) را آشکارا بیان کنم؛ ولی ذکر آنها نزد من محبوب‌تر از آن بود که تو را تسلیم امری سازم که از هلاکت آن ایمن نباشم.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۳۱).



باتوجه به این عبارت حضرت می توان گفت که درگیرکردن نوجوان با شبهات و عقاید باطل ضرورتی ندارد. وقتی فطرت پاک نوجوان این عقاید را قبول دارد، مشغول شدن به این شبهات نه تنها مفید نیست؛ بلکه می تواند آسیب زا باشد و حتی موجب ایجاد شک و تردید در اذهان آنها شود؛ چراکه لازمه آن تصور این معناست که ممکن است خدایی در کار نباشد (ساجدی، تربیت اعتقادی و شاخص های آن، ۱۳۹۱: ۵۰-۴۹).

چهارم. اصول مبتنی بر مبنای اختیار

اصل پرهیز از تحمیل عقاید

همانگونه که در مبنای اختیار بیان شد، خداوند هم در عمل و هم عقیده انسان را مختار آفریده است. در تفسیر آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/۲۵۶) برخی از مفسران جمله را اخباری تفسیر کرده و گفته اند: آیه خبر از حقیقتی تکوینی مبتنی بر اختیار و آزادی تکوینی انسان در انتخاب دین می دهد. تفسیر دیگر نیز این است که جمله ای باشد انشایی و بخواهد بفرماید که نباید مردم را بر اعتقاد و ایمان مجبور کنید. در این صورت نیز نهی مذکور متکی بر یک حقیقت تکوینی است (طباطبایی، ترجمه المیزان، ۱۳۷۴: ۲/۳۴۳)؛ از این رو این آیه هم می تواند ناظر به مبنا و هم ناظر به اصل باشد. انسان در مقام انتخاب عقیده، هم تکویناً مختار آفریده شده است و هم نباید عقیده را به او تحمیل کرد. شأن نزول های وارد شده ذیل آیه نیز مؤید همین مطلب است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۲/۶۳۱-۶۳۰).

حضرت نوح نیز به دلیل اینکه قومش از پذیرش ایمان اکراه داشتند، می فرماید: ما شما را به ایمان اجبار نمی کنیم: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِي فَعِمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَ أَنتُمْ لَهَا كَارِهُونَ» (هود/۲۸)؛ «(نوح) گفت: «اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم و از نزد خودش رحمتی به من داده باشد- و بر شما مخفی مانده- (آیا باز هم رسالت مرا انکار می کنید)؟! آیا ما می توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم، با اینکه شما کراهت دارید؟!»

علامه طباطبایی ذیل این آیه می فرمایند: «این آیه ازجمله آیاتی است که اکراه را در دین خدا را نفی کرده و دلالت می کند بر اینکه مسئله اجبار نکردن، یکی از احکام دینی است که در همه شرایع و حتی قدیمی ترین آنها که شریعت نوح ﷺ است تشریع شده و تا به امروز نیز به قوت خود باقی بوده و نسخ نشده است (طباطبایی، ترجمه المیزان، ۱۳۷۴: ۱۰/۳۰۹).

باتوجه به مطالب بیان شده، نوجوان نباید برای پذیرش عقاید تحت فشار و اجبار قرار گیرد. او در انتخاب عقیده یا رد آن باید این آزادی و اختیار را احساس کند. خصوصاً باتوجه به استقلال طلبی نوجوان، استفاده از اهرم فشار و اجبار نه تنها مفید نخواهد بود؛ بلکه می تواند آثار زیان باری نیز به همراه داشته باشد.

وقتی که خانواده در موضوعات دینی بر نوجوان سخت بگیرد، زمینه دهن کجی و اعلام استقلال فکری نوجوان از خانواده شکل می گیرد (قائمی، شناخت هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، ۱۳۷۲: ۱۹۱-۱۹۳). به رسمیت نشناختن اختیار و استقلال نوجوان و استفاده از روش های تحکم آمیز در انتقال عقاید، می تواند منجر به مخالفت و لجبازی او شود.

پنجم. اصول مبتنی بر تأثیر شرایط بر انسان

اصل مدیریت شرایط

از آنجایی که انسان از شرایط مختلف محیطی (زمانی، مکانی و اجتماعی) تأثیر می پذیرد، پس ریشه و منشأ برخی از افکار، نیت و رفتارهای انسان را باید در شرایط محیطی او جست. اصل اصلاح شرایط، بیانگر آن است که برای از بین بردن یا ایجاد برخی از تفکرات، حالات و رفتارها، باید شرایط محیطی را تغییر داد. برای مثال حضرت موسی (علیه السلام) پس از بازگشت به سوی امت خود، زمانی که دید مردم گوساله سامری را پرستش می کنند، چنین کرد:

«قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه/۹۷)؛ «(موسی) گفت: «برو که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هرکس با تو نزدیک شود) بگویی «با من تماس نگیر!» و تو میعاد (از عذاب خدا) داری که هرگز تخلف نخواهد شد! (اکنون) بنگر به این معبود که پیوسته آن را پرستش می کردی! و ببین ما آن را نخست می سوزانیم، سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم!»

موسی برای از بین بردن اندیشه شرک، علاوه بر تبیین فکری، دست به تغییر موقعیت زد؛ یعنی سامری را از امت اخراج کرد و نماد شرک را با آتش از میان برد. اگر حضرت موسی (علیه السلام) دست به چنین تغییری نمی زد، به این نتیجه نمی رسید (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۸۸: ۱/۱۳۵-۱۳۴). شاید بارزترین عرصه اثرگذاری این اصل را در نحوه مواجهه با انحرافات فکری و اعتقادی بتوان مشاهده کرد. ریشه انحرافات فکری و اعتقادی، الزاماً مسائل فکری نیستند. در صورتی که ریشه انحراف فکری نوجوان، دوستان یا گروه های مرتبط با وی باشد، گفتگوی دینی صرف، مشکل را حل نمی کند؛ بلکه ابتدا باید برای این رابطه و محیط، فکری کرد. در واقع به جای هجوم به این افکار و تلاش برای تغییر آنها، باید به فکر تغییر شرایطی باشیم که آبخشور این انحراف بوده اند.



نتیجه

هدف این مقاله تبیین مبانی و اصول خاص تربیت اعتقادی نوجوان است. باتوجه به آیات و روایات موجود در زمینه تربیت اعتقادی و همچنین توجه به ویژگی‌های شخصیت نوجوان می‌توان مبانی خاص تربیت اعتقادی نوجوان را اینگونه برشمرد:

توجه به مبانی و اصول بیان‌شده گویای این است که مجموعه‌ای از ویژگی‌های مهم وجودی نوجوان از جمله ساختارهای شناختی، ویژگی‌های روحی مثل استقلال‌طلبی، تمایلات فطری و عوامل محیطی، بیشترین نقش را در تربیت اعتقادی نوجوان دارند. باتوجه به اینکه یکی از مؤلفه‌های اصلی ایمان و عقاید، بُعد شناختی و معرفتی است، توجه به ابزار شناختی نوجوان که عقل اوست و عواملی که بر این جنبه اثر گذارند، مانند جنبه‌های محیطی ضروری است. در کنار مؤلفه شناخت، «محبت» دیگر مؤلفه اصلی در ساختار ایمان است. فطرت که مهم‌ترین زیربنای دین‌داری انسان است و پشتوانه هر دو مؤلفه ایمان که معرفت و محبت است، در دوران نوجوانی به اوج خود می‌رسد؛ ازاین‌رو به‌جای تلاش برای اثبات خدا و سایر اصول دین، باید تلاش‌ها مصروف مانع‌زدایی از مسیر فطرت و شکوفاتر کردن فطرت نوجوان شود. در کنار عوامل مستقیم که بیان شد، عواملی که ناظر بر ساختار روحی و اجتماعی نوجوان است، نقش پررنگی در شکل‌گیری عقاید یا انحرافات فکری نوجوان دارند. نوجوان به مرحله‌ای از رشد عقلی رسیده است که می‌تواند مستقلاً بیندیشد و افکار و عقاید خود را انتخاب کند. لازمه روحیه استقلال‌طلبی نوجوان، پرهیز از هرگونه تحمیل عقاید است. باید زمینه‌های لازم برای انتخاب صحیح و درست نوجوان را فراهم کرد. از سوی دیگر برخی عوامل که غیرمستقیم در جهت‌دهی افکار و عقاید نوجوان اثرگذار هستند، نباید غافل بود. شرایط اجتماعی و محیطی مانند دوستان نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری عقاید نوجوان دارند؛ لذا اصل اصلاح محیط دوستان نوجوان باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، مؤسسه سید الشهدا (علیه السلام)، قم: ۱۴۰۳.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی. تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه الن شر الإسلامی، قم: ۱۳۶۳.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، دار الکتاب الإسلامی، قم: ۱۴۱۰.
۵. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، مدرسه، تهران: ۱۳۸۸.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، و عطار، احمد عبدالغفور، الصحاح، دار العلم للمالین، بیروت: ۱۴۰۴.
۷. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، جمال، قم: چ ۴، ۱۳۸۶.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۷.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دارالعلم الدار الشامیة، بیروت: ۱۴۱۲ق.
۱۰. زهره کاشانی، علی اکبر، «اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات»، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۱۱. ساجدی، ابوالفضل، خطیبی، حسین، تربیت اعتقادی و شاخص های آن، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.
۱۲. شریعتمداری، علی، اصول تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران، تهران: چاپ ۲۱، ۱۳۸۷.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی (نویسنده)، منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، محقق: رضا مختاری، مکتب الإعلام الإسلامی، قم: چاپ سوم، ۱۳۷۴.
۱۴. صدوق، علی بن حسین بن بابویه، علل الشرایع، انتشارات داوری، قم: بی تا.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۷۴.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران: چاپ ۷، ۱۳۷۲ ش.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، الشریف الرضی، قم: ۱۳۷۰.
۱۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، کتابفروشی مرتضوی، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد محسن آقابزرگ تهرانی، احمد حبیب عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.



۲۰. طوسی، محمد بن حسن، و قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة، الأمالی، دار الثقافة، قم: ۱۴۱۴.
۲۱. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، اسلامیة، تهران: چاپ ۲، ۱۳۶۹.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه، تهران: ۱۳۸۰ ق.
۲۳. فقیهی، علی نقی، «ویژگی‌های روان‌شناختی فطری انسانی زیربنا برای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی دختر و پسر با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۸.
۲۴. فیض‌کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، تحقیق ضیاءالدین علامه، و کمال فقیه ایمانی، مکتبة الإمام امیرالمومنین علی (ع) العامة، اصفهان، ۱۴۰۶ ق.
۲۵. قائمی، علی، شناخت هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، امیری، تهران: چاپ ششم، ۱۳۷۲.
۲۶. قائمی، علی، هدایت نوجوان به‌سوی نماز، ستاد اقامه نماز، بی‌جا: چ ۶، ۱۳۷۳.
۲۷. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تحقیق: حسین درگاهی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۸ ش.
۲۸. کرباسی، منیژه، وکیلان، منوچهر، مسائل نوجوانان و جوانان در ایران معاصر، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران: ۱۳۸۹.
۲۹. کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روانشناختی تبلیغ، ستاد اقامه نماز، تهران: چ ۱۰، ۱۳۸۸.
۳۰. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، دانشگاه مشهد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی. مرکز تحقیقات و مطالعات، مشهد: ۱۳۴۸.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیة، تهران: ۱۳۶۲.
۳۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. لطف‌آبادی، حسین، روان‌شناسی رشد ۲، سمت، تهران: ۱۳۸۰.
۳۴. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، و شیرازی، علی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۳۵. مصباح‌یزدی، محمدتقی، خداشناسی (معارف قرآن ۱)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۳۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدر، تهران: ۱۳۸۷.
۳۷. مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، نشر دارالکتب الإسلامیة، تهران: ۱۳۷۴.
۳۸. میرعرب، فرج‌الله، تربیت اعتقادی و معنوی با نگاهی قرآنی، بوستان کتاب، قم: ۱۳۹۵.
۳۹. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ۱۸ ج، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم: ۱۴۰۸ ق.
۴۰. یوسفیان، حسن، شریفی، احمد حسین، عقل و وحی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۸۳.

References

1. Quran –e – Karim (*Th Holy Quran*), Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors from Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Amodi, Abdul Wahid bin Mohammad, *Ghurur al-Hikam wa Durar al-Kalam (The Nuggets of Wisdom and Pearls of Discourse)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Qom: 1410 AH (1990 CE).
3. Ayyashi, Mohammad bin Masoud, *Kitab al-Tafsir (The Book of Exegesis)*, Researched by Seyyed Hashem Rasouli Mahallati, Chapekhane Elmieh, Tehran: 1380 Q (2001 CE).
4. Baqeri, Khusrow, *Negahi Dobareh be Tarbiyat-e Eslami (A Second Look at Islamic Upbringing)*, Madreseh, Tehran: 1388 SH (2009 CE).
5. Dehkhoda, Ali Akbar, *Loghat-nameh Dehkhoda (Dehkhoda's Dictionary)*, University of Tehran, Tehran: 1377 SH (1998 CE).
6. Faqihi, Alinaqi, "*Vijegihaye Ravanshenasi-e Fetri Insani Zirbana baraye Tarbiyat-e Motlob dar Dore-ye Nowjavan-e Dokhtar va Pesar ba Ta'kid bar Didgah-e Eslami*" (*Psychological Characteristics of Human Nature as the Foundation for Desirable Education in Adolescent Boys and Girls with an Emphasis on the Islamic Perspective*), Pajoheshnameh Islam va Zanan va Khanevadeh (Research Journal on Islam, Woman and Family), Vol. 7, No. 17, Winter 1398 SH (2019 CE).
7. Fayz Kashani, Mohammad bin Shah Mortaza, *Al-Wafi (The Sufficient)*, Researched by Zia al-Din Allameh and Kamal Faqih Eimani, Maktabat al-Imam Amir al-Mu'minin Ali (AS) Public Library, Esfahan, 1406 AH (1985 CE).
8. Ibn Abi Jumhur, Mohammad bin Zein al-Din, *Awali al-Laili al-Aziziyya fi al-Ahadith al-Diniyya (The Radiant Lights in Religious Narrations)*, Seyyed al-Shohada Institute, Qom: 1403 AH (1982 CE).
9. Ibn Manzur, Mohammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Arabic Tongue)*, Dar Sader, Beirut: 3rd Edition, 1414 AH (1993 CE).
10. Ibn Shu'bah, Hassan bin Ali, *Tuhaf al-Uqul an Aal al-Rasul (The Gifts of Intellects from the Family of the Prophet)*, Jamiah al-Mudarriseen fi al-Hawzah al-Ilmiyyah in Qom Citry, Al-Nashr al-Islami Institute, Qom: 1363 AH (1944 CE).
11. Jowhari, Ismail bin Hammad & Attar, Ahmad Abdul Ghafur, *Al-Sihah (The Lexicon)*, Dar al-Ilm lil Malayin, Beirut: 1404 AH (1984 CE).
12. Karbasi, Manijeh and Vakilian, Manouchehr, *Masael-e Nowjavanan va Javanan dar Iran-e Mo'aser (Issues of Adolescents and Youth in Contemporary Iran)*, Peyam-e Nour University Publications, Tehran: 1389 SH (2010 CE).



13. Karimi, Abdolazim, *Rahbordeha-ye Ravanshenasi-ye Tabligh (Psychological Strategies of Preaching)*, Setad Eqame Namaz, Tehran: 10th Edition, 1388 SH (2009 CE).
14. Kashi, Mohammad bin Omar, *Ekhteyar-e Marefeh al-Rijal (Rijal al-Kashi) (A Research on the Identification of Narrators)*, Ferdowsi University. Faculty of Theology and Islamic Studies. Research and Studies Center, Mashhad: 1348.
15. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Dar al-Kutub al-Islamiyah, Tehran: 1362 SH (1983 CE).
16. Lotf Abadi, Hossein, *Ravanshenasi-ye Roshd 2 (Developmental Psychology 2)*, SAMT, Tehran: 1380 SH (2001 CE).
17. Makarem Shirazi, Naser et al., *Tafsir-e Nemouneh (Exemplary Commentary)*, Nashr Dar al-Kutub al-Islamiyah, Tehran: 1374 SH (1995 CE).
18. Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi, *Khedashenasi (Maaref-e Quran 1) (Theology – Science of the Quran 1)*, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: 2nd Edition, 1381 SH (2002 CE).
19. Mirarab, Farajollah, *Tarbiyat-e Eteqadi va Ma'navi ba Negahi Quran (Faith and Spiritual Education from a Quranic Perspective)*, Bustan-e Ketab, Qom: 1395 SH (2016 CE).
20. Motahhari, Morteza, *Majmooe Asar (Collected Works)*, Sadra, Tehran: 1387 SH (2008 CE).
21. Nuri, Hossein, *Mustadrak al-Wasail*, 18 volumes, Moassese Al al-Bayt (AS), Qom: 1408 AH (1987 CE).
22. Qaemi, Ali, *Hedayat-e Nowjavan be Sooy-e Namaz (Guidance of Youth towards Prayer)*, Setad Eqame Namaz, N.p.: 6th Edition, 1373 SH (1994 CE).
23. Qaemi, Ali, *Shenakht-e Hedayat va Tarbiyat-e Nowjavanan va Javanan (Understanding the Guidance and Education of Adolescents and Youth)*, Amiri, Tehran: 6th Edition, 1372 SH (1993 CE).
24. Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza, Researched by Hossein Dargahi, *Tafsir-e Kanz al-Daqaeq va Behar al-Ghorraib (The Exegesis of the Treasure of Precious Moments and the Ocean of Wonders)*, Organization of Publication and Distribution, Ministry of Islamic Guidance, Tehran: 1368 SH (1989 CE).
25. Raghieb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Tahqiq: Safwan Adnan Dawoodi, Dar al-Ilm al-Dar al-Shamiyyah, Beirut: 1412 AH (1991 CE).
26. Saduq, Ali bin Hossein bin Babawayh, *Al-Ilal al-Sharai (The Reasons Behind Legal Rulings)*, Davari Publishing, Qom: n.d.
27. Sajidi, Abu al-Fadl & Khatibi, Hossein, *Tarbiat E'teqadi va Shakhsiyat-haye an (Doctrinal Education and Its Indicators)*, Center for Strategic Studies, Office of the President, 1391 SH (2012 CE).

28. Shahid Thani, Zein al-Din bin Ali (Author), *Munyat al-Morid fi Adab al-Mufid va al-Mustafid*, Researched by Reza Mokhtari, Maktab al-I'lam al-Islami, Qom: 3rd Edition, 1374 AH (1954 CE).
29. Sharea'tmadari, Ali, *Osoul-e Ta'lim va Tarbiat (Principles of Education and Training)*, University of Tehran, Tehran: 21st Edition, 1387 SH (2008 CE).
30. Sharif Razi, *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Translated by Mohammad Dashti, Jamal, Qom: 4th Edition, 1386 SH (2007 CE).
31. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Compilation of Statements in Quranic Exegesis)*, Naser Khosrow, Tehran: 7th Edition, 1372 SH (1993 CE).
32. Tabarsi, Hassan bin Fazl, *Makarem al-Akhlaq (The Good Morals)*, Al-Sharif al-Razi, Qom: 1370 AH (1950 CE).
33. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Tafsir al-Mizan (The Balance Exegesis)*, Translated by Mohammad Baqer Mousavi Hamadani, Jame'eh Modarresin-e Hawzeh Elmieh Qom, Qom: 1374 AH (1995 CE).
34. Tayyeb, Abdul Hossein, *Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Finest Explanation in Quranic Exegesis)*, Eslamiyyeh, Tehran: 2nd Edition, 1369 SH (1990 CE).
35. Tureihi, Fakhr al-Din, *Majma al-Bahrain (The Meeting of the Two Seas)*, Researched by Seyyed Ahmad Hosseini, Martoovi Bookstore, Tehran: 3rd Edition, 1375 SH (1996 CE).
36. Tusi, Mohammad bin Hassan, *Al-Amali (Dictations)*, Dar al-Thaqafah, Qom: 1414 AH (1993 CE).
37. Tusi, Mohammad bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Clear Exposition in Quranic Exegesis)*, Researched by Mohammad Mohsen Agha Bozorg Tehrani and Ahmad Habib Ameli, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
38. Yousefian, Hassan and Sharifi, Ahmad Hossein, *Aql va Vahy (Intellect and Revelation)*, Islamic Culture and Thought Research Institute, Tehran: 1383 SH (2004 CE).
39. Zohra Kashani, Ali Akbar, *"Usul-e Tarbiyat-e Dini az Manzar-e Ayat va Ravayat" (The Principles of Religious Education from the Perspective of Quranic Verses and Narrations)*, Islam va Pazhuheshay-e Tarbiati Journal, Vol. 1, No. 2, Fall and Winter 1388 SH (2009 CE).
40. Zubeidi, Mohammad bin Mohammad Mortaza, Firoozabadi, Mohammad bin Ya'qub, and Shiri, Ali, *Taj al-Aroos min Jawahir al-Qamus (The Crown of the Bride from the Jewels of the Dictionary)*, Dar al-Fikr, Beirut: 1414 AH (1993 CE).